

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هفدهم
شماره ۲۰۰ آبان ماه ۱۳۹۵ - نوامبر ۲۰۱۶

در حاشیه سفر وزیر اقتصاد آلمان به ایران

زیگمار گابریل، وزیر اقتصاد آلمان روز دوشنبه ۱۲ مهر (سوم اکتبر) برای یک دیدار کاری دو روزه به تهران سفر کرد. ۱۲۰ تن از نمایندگان شرکتهای بزرگ چون زیمنس و فولکس واگن وی را همراهی کردند. حضور این تعداد نمایندگان شرکتهای بزرگ نشان از اشتیاق کلان امپریالیسم آلمان دارد که بعد از محاصره اقتصادی و تحریمهای غیر قانونی بر ضد مردم ایران، بعد از خسارت فراوان به اقتصاد ایران، حال به عنوان تاجر وارد ایران شده و از این وضعیت ایجاد شده سودهای کلان ببرد. ولی بر سر راه این برنامه های اقتصادی موانع فراوانی به چشم می خورد.

۱- مشکلات اقتصادی و مالی ناشی از تحریمها و تضاد با آمریکا

یکی از مشکلات بر سر راه این روابط، ادامه تحریمهای اقتصادی علیه ایران است. امپریالیستها که هرگز به وعده آنها نباید دل بست، سوگند خورده بودند که بعد از تسلیم شدن ایران در عرصه پژوهشهای هسته ای، به رفع تحریمها دست زنند. البته تحریمهای علیه ایران در سه سطح صورت گرفته بود. نخست تحریمهای شورای امنیت سازمان ملل، بعد تحریمهای کنگره آمریکا و در مرحله آخر تحریمهای اتحادیه اروپا که همه آنها ضد بشری، غیرقانونی و ناقض منشور ملل متحد بودند. رفع تحریمهای کنونی عملاً به رفع تحریمهای شورای امنیت و تا حدودی اروپا منجر شده است، ولی تحریمهای کنگره آمریکا بر ضد مردم میهن ما هنوز به قوت خود ... ادامه در صفحه ۲

حزب توده ایران دارای دو دوره متفاوت تاریخی است از میراث انقلابی آن دفاع کنیم

دهم مهرماه ۱۳۲۰ روز بنیانگذاری حزب توده ایران، حزب ترانزویین طبقه کارگر ایران در ۷۵ سال پیش است. در این روز کمونیستهای ایران که در درون حزب کمونیست ایران، و گروه ۵۳ نفر فعالیت می کردند از اسارت بیغوله های رضا شاهی آزاد شده و همراه با جنبش جهانی انقلابی- ضد فاشیستی بر ضد بهیمیت فاشیسم، بر ضد امپریالیسم و در دفاع از جنبش جهانی کمونیستی به بنای سازمان مستقل سیاسی طبقه کارگر ایران برای حمایت از طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، همت گماردند تا کار مبارزه برای کسب استقلال و حفظ تمامیت ارضی ایران، حمایت از خواستهای طبقه کارگر و زحمتکشان و مطالبات دموکراتیک خلقهای ایران را ... به پیش برند. در مدت کوتاهی این حزب قادر شد، طبقه کارگر ایران را بسیج کند و اعتماد وی را به دست آورد و این طبقه انقلابی را برای نیل به ایرانی آزاد، مستقل و سوسیالیستی رهبری نماید. حزب توده ایران بخشی از جنبش کمونیستی جهانی و پیرو اندیشه انترناسیونالیسم پرولتری بود. حزب توده ایران به مثابه بزرگترین سازمان سیاسی در تاریخ ایران، موفق شد بزرگترین تشکل کارگری را در ایران به وجود آورد و روشنفکران مترقی ایران را به خود جلب کند و تحولی از نظر فکری و فرهنگی در عرصه ایران عقب مانده ایجاد نماید، که انوار گرم آن چون خط سرخی در تمام تاریخ ایران تا به امروز تابان است. حزب توده ایران نماینده اندیشه های مدرن و مترقی در ایران بود، در ایران مذهبی و رجال سنتی عقب مانده، جسورانه برای تساوی حقوق اجتماعی زنان با مردان به مبارزه برخاست و زنان را به عرصه مبارزه اجتماعی کشانید و این در حالی بود که سایر نیروهای سیاسی به اسارت زنان صحنه می گذاردند و یا از ترس مراجع مذهبی در مورد این تساوی حقوق سکوت می کردند. حزب توده ایران دروازه های ایران را بر روی ادبیات و فرهنگ مترقی جهان باز کرد و نسلی را در عرصه هنری و فرهنگی پرورش داد که تأثیرات عظیم آن تا به امروز در هر خانه ای حس می شود. حزب توده ایران چند صد هزار کارگر ایران را در اتحادیه های کارگری متشکل نمود که ستون فقرات یک جامعه دموکراتیک و ضد امپریالیستی بودند. آنها از طریق حزب توده ایران به حقوق صنفی و سیاسی ... ادامه در صفحه ۳

جایزه صلح نوبل آخرین پرده کودتای دست راستی در کلمبیا

جایزه صلح نوبل ۲۰۱۶ به "خوان مانوئل سانتوس" (Juan Manuel Santos)، رئیس جمهور فعلی کلمبیا داده شد. کمیته نروژی جایزه صلح نوبل در اسلو در توضیح این تصمیم ابراز داشت که وی: "برای تلاش مصممانه اش به خاطر پایان دادن به جنگ داخلی که بیش از نیم قرن طول کشیده است" این جایزه را دریافت می کند. دریافت این جایزه همراه با مخالفت "خلق" از طریق همه پرسی پیرامون توافقات دو جانبه با چریکهای "فارک" (FARC)، پیروزی بزرگی برای ارتجاع کلمبیا و شکستی سخت برای چریکهای فریب خورده فارک و پادرمیانی سادملو حانه کوبا، ونزوئلا و شیلی محسوب می شود.

رئیس کمیته نوبل آقای "کاچی کولمن فایو" (Kaci Kullmann Five) که جایزه صلح به آقای "سانتوس" را بعد از اعلام نتیجه منفی همه پرسی و رد توافقات دو جانبه با چریکها، از طرف "خلق" کلمبیا اعلام می کرد و این خود نشانه شکست تلاشهای صلح بود، برای دلداری چریکهای "فارک" و دست به سر کردن آنها اعلام داشت که این جایزه تشویقی برای نجات دادن روند صلح در کلمبیاست. به سخن دیگر هنوز صلحی صورت نگرفته است و مذاکره تا ابد ادامه دارد و منتظر باشید تا در زیر پایتان علف سبز شود و مبادا به عملیات شتابزده و بدون تعقل دست بزنید تا روند صلح به خطر افتد!!؟؟

به این ترتیب پرده آخر نمایشنامه جنگ داخلی افتاد و نیروهای چریکی از همه جا مانده و رانده، نه راه پس دارند و نه راه پیش.

درگیری های نظامی "فارک" و نیروهای دولتی کلمبیا از ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید *

نشندند بدون قید و شرط تحریمهای غیرقانونی علیه ایران را برطرف کنند و در یک سطح برابر، متکی بر احترام متقابل و به رسمیت شناختن حقوق طرفین با ایران وارد مذاکره و معامله گردند. مواضع سیاسی آلمان نشانه قدری و بی حرمتی است و شانتاژ آنها بر ضد منافع ملی کشور ماست. اریک شوابتسر، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع آلمان به دوپچه وله گفته است: "ایران می‌خواهد تا سال ۲۰۲۰ یک بیلین (۱۰۰۰ میلیارد) دلار در زیرساخت‌های خود سرمایه‌گذاری کند و ما باید در صحنه حضور داشته باشیم."

از نظر شوابتسر نیازمندی‌های ایران بیش از این‌هاست: تأسیسات، ماشین‌آلات، زیرساخت‌های بیمارستان‌ها. به گفته او ایران پس از "خشکسالی" تحریم‌های بین‌المللی در واقع به همه چیز نیاز دارد."

۳-زورگونی امپریالیسم آلمان و دخالت در امور داخلی ایران

خانم مرکل که از سینه چاکان صهیونیستها در آلمان است و تمام هم و غم خود را به کار برده تا اسرائیل را تا به دندان مسلح کند، بعد از رفع تحریمها، استقرار مناسبات تجاری با ایران را مشروط به رسمیت شناختن حق حیات اسرائیل از جانب رژیم جمهوری اسلامی کرد. جالب اینکه این امر مفهوم دیگری ندارد جز اینکه رژیم جمهوری اسلامی در ایران سرنگون شود. به این ترتیب دولت ایران باید حق حیات رژیم صهیونیستی و متجاوز و نژادپرست اسرائیل را که به اپوزیسیون خودفروخته ایران پول، خدمات فنی و اطلاعات می‌رساند به رسمیت شناخته و بر ضد خلق فلسطین وارد پیکار شود. این خواست دولت آلمان یک خواست سیاسی است که در توافقنامه لوزان و وین در مورد رفع تحریمها قید نشده است. این امر یک شرط من در آوردی و



مشکل اساسی روبرو هستیم. اولین مشکل تحریم‌هاست. در اروپا تحریمها برداشته شده، ولی آمریکایی‌ها همه تحریمها را برنداشته‌اند. مشکل دوم بیمه است که از طرف شرکت بیمه "هرمس" انجام می‌گرفت. ایران حدود ۲ میلیارد دلار به این شرکت بدهکاری داشت. زمانی که تحریمها شروع شد یک و نیم میلیارد را پرداخت کردند، ولی ۵۰۰ میلیون را نپرداخته‌اند. ایران در ظرف ۴ هفته گذشته بدهی خود را به هرمس پرداخته و این مشکل را حل کرده است. "این کارشناس ایرانی ادامه داد: "مسئله سوم وام هست. شرکت‌هایی که برای فعالیت در ایران باید وام بدهند هنوز علاقه زیادی به دادن وام ندارند چون بیم دارند که دوباره این تحریمها وضع شوند. مشکل چهارم تبادل و ترانسفر امور مالی بانک‌ها هست چون بانک‌های بزرگی چون "کومرتس بانک" در زمان تحریمها اشتباه کردند و بخاطر همین (دور زدن تحریمها) جریمه‌های سنگینی پرداختند و از آن زمان به بعد با دقت عمل می‌کنند." از این توضیحات روشن می‌گردد که آمریکا به وعده‌های خودش عمل نکرده و این

خلف وعده را نیز مجدداً به گردن ایران انداخته و طبق معمول قصاص قیل از جنایت می‌کند و مجموعه نظام قضائی جهانی را واژگون می‌نماید.

۲- نیازهای اقتصادی

حجم مناسبات تجاری ایران با آلمان در سال ۲۰۰۸ چهار میلیارد یورو بود که در سال ۲۰۱۵ به نصف رسید. حال باید

این حجم به ده میلیارد یورو افزایش پیدا کند.

دولت ایران صدها هواپیما سفارش داده است، قصد دارد بانکهای ایران را مدرن کند، تولید انرژی را تغییر و تکامل دهد و لذا به صنایع مدرن و پیشرفته نیاز دارد تا دستگاههای فرسوده تولید را با آنها جایگزین نماید.

ایتالیا و فرانسه که زودتر از آلمانها جنیبند بسیاری سفارشات کلان از جانب دولت ایران را به دست آوردند. در این میان سر دولت آلمان بی کلاه مانده است. مشکل اساسی را نیز خود دولت آلمان برای خودش در زیر فشار اسرائیل و آمریکا ایجاد کرد. آنها حتی بعد از حل مسئله هسته ای به نفع آمریکا و اسرائیل نیز حاضر

در حاشیه سفر اقتصاد آلمان...

باقی بوده و عامل فشار و اخاذی این راهزن بین المللی علیه ایران و مردم جهان است. مشکل بانکی هنوز حل نشده است، زیرا بر نقل و انتقال ارز، امپریالیسم آمریکا نظارت دارد و مانع از آن است که ایران بتواند بهای کالاهای خریداری شده را بپردازد. به این جهت بانکهای جهانی علیرغم رفع تحریمها در استقرار مناسبات جدید با ایران تعلل می‌ورزند. معضل بانک‌ها در واقع پول است و به بیان دقیق‌تر ایجاد زمینه‌های "اعتماد بانک‌ها" است. مانع اصلی سرمایه‌گذاری بانک در ایران را هنوز باید در آمریکا جست که بر نظارت جریان پول در جهان سلطه انحصاری دارد. جالب آن است که بانکهای ممالک امپریالیستی از ترس تهدیدات و فشارهای آمریکائی، آن جسارت لازم را ندارند که با زبان قابل فهم و روشن صحبت کنند، بلکه عدم رفع تحریمهای غیرقانونی را علیرغم خیانت دولت جمهوری اسلامی به منافع مردم ایران در عرصه استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته‌ای، هنوز به گردن ایران می‌اندازند و مدعی‌اند:

اگرچه دولت آمریکا تمام تحریمها علیه ایران را لغو کرده است، اما هیچ کس نمی‌داند که جمهوری اسلامی تا چه زمان به تعهدات خود در رابطه با توافق اتمی پایبند خواهد ماند. استدلالی از این مضحکتر وجود ندارد. اگر قراردادی منعقد شده و بر اساس آن در نیروگاههای هسته‌ای را بسته‌اند و مخازن آب سنگین را با بتون زیر نظر آژانس بین المللی انرژی اتمی که دست دراز شده آمریکا است، پر کرده‌اند، دیگر چه جای بهانه‌ای برای رفع تحریمها باقی می‌ماند؟ از این گذشته، این طرف مقابل است که حتی پس از تسلیم ایران نیز حاضر نیست به تعهداتش عمل کند و به امضای خودش در زیر قرارداد مشترک احترام بگذارد.

البته این تحریمها علیه ایران به نحو غیر مستقیم شامل رقبای اقتصادی آمریکا نیز می‌شود و آنها را از تجارت با ایران باز می‌دارد. نشریات از قول منابع مطلع ایرانی نوشتند: "... دولت آمریکا برای فروش ۸۰ هواپیمای بوئینگ مجوز می‌دهد، ولی برای فروش ایرباس فقط ۱۰ هواپیما را مجوز داد." و این نشانه خودسری و گردن کلفتی و اعمال فشار دولت آمریکاست.

به نقل از "دوپچه وله" هم‌اکنون دبیر وزارت اقتصاد آلمان، ماتیا ماسنبرگ، به نمایندگی از سوی گابریل در حال گفت‌وگو با مقامات واشنگتن درباره شروط سختگیرانه دولت آمریکا در این زمینه است.

به همین دلیل بانک‌های بین‌المللی نسبت به سرمایه‌گذاری در ایران تعلل می‌کنند. و وزیر اقتصاد آلمان خیلی خوب می‌داند: بدون سرمایه‌گذاری مالی، معامله‌ای در کار نخواهد بود.

به همین جهت زیگمار گابریل، وزیر اقتصاد آلمان در تهران وعده داد که از آمریکا بخواهد مجازات‌هایش را علیه ایران کاهش بدهد. یکی از کارشناسان ایرانی در این زمینه مشکلات را بر شمرده و چنین اظهار نظر کرد: "ما با ۴

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



صهیونیستی است. خانم مرکل که از بزرگترین مدافعان صهیونیسم در اروپاست با این تعصب صهیونیستی (همسر ایشان یهودی است) خویش از قافله تجارت عقب ماند و جای خویش را به ایتالیا و فرانسه واگذار کرد که با چنین شرطی به میدان نیامدند. حال به نظر می‌رسد که تضاد منافع رقبا در آلمان خشم سرمایه داران را به جوش آورده و رهبر سوسیال دموکراتهای آلمان را وادار کرده است با همان کلمات خانم مرکل، ولی همراه با صدها کارشناس اقتصادی راهی ایران شود تا قراردادهای پر آب و نان ببندد. آقای گابریل در عین حال از شرکت ایران در جنگ بر ضد تروریستهای... ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

در حاشیه سفر اقتصاد آلمان...

اروپائی(بخوانید داعش-توفان) که به عنوان مزدور و حدود ۶۰ هزار نفر به سوریه از طریق ترکیه اعزام شده اند نیز معترض است و نقض حقوق ملل(سوریه-توفان) را بر اساس مصالح روز امپریالیسم جایز می داند. امپریالیسم آلمان از جنایتکاران تروریست در خاورمیانه تا کنون حمایت کرده و می کند. آنها تروریستها را با مداخله آشکار در اوکراین مورد حمایت قرار می دهند و عربستان سعودی و قطر را بسیج می کنند تا در یمن با عملیات تروریستی میلیونها نفر را بکشند و آواره نمایند. نقش خود آنها در افغانستان تروریستی است. آنوقت این امپریالیسم که بعد از انقلاب به تعهداتش در ایران احترام نگذاشت و از بنای نیروگاه نیمه کاره هسته ای امتناع نمود و به صدام حسین گازهای سمی داد تا در جنگ علیه ایران و کردهای حلچه به کار برد و صدها هزار کشته و معلول به جای بگذارد، حال به دولت ایران اندرز می دهد که در امور داخلی سوریه که متحد ایران در تمام دوران جنگ تحمیلی بوده است و دولتی قانونی و مشروع بوده و عضو سازمان ملل متحد می باشد، همکاری نکند. توانائی حمایت ناتو از داعش به انتها رسیده است و این درخواستها بیشتر بی شرمانه و از روی ناچاری است. نکته آخری که آلمانها طرح می کنند و طبیعتاً برای خالی نبودن عریضه و آرایش حجم مبادلات تجاری با ایران است، اشاره به نقض مستمر حقوق بشر در ایران می باشد. اینکه در ایران حقوق بشر نقض می شود بر کسی پوشیده نیست. حتی خود رژیم جمهوری اسلامی نیز آنرا انکار نمی کند. در همین دو ماه پیش ویدئوی سخنرانی آقای منتظری در مورد اعدامهای غیر قانونی و غیر انسانی سالهای اواخر ۶۰ خاطره این جنایات را در افکار مردم ایران زنده کرد. نیروهای انقلابی در ایران نه این کار را می بخشند و نه فراموش می کنند. ولی وقتی یک دولتی که خودش در تمام عرصه جهان مدافع نقض حقوق بشر و تروریسم بین الملل است در مصاف با جمهوری اسلامی رداى حقوق بشر به تن می کند، تنها موجب انزجار و چندان مردم از این همه ریاکاری می شود. این امر توهین به حقوق بشر است که از جانب آمریکا و ناتو هیچوقت مورد احترام نبوده و بی حرمتی نسبت به این حقوق است. امپریالیسم آلمان به جای داشتن زبان دراز، خوب است در مورد ارسال گازهای سمی به عراق برای کشتار سربازان ایرانی به پای میز محاکمه کشیده شود و به عنوان جنایتکار جنگی محکوم گردد. این بشار اسد نیست که گاز سمی به کار می برد، این امپریالیسم و حاکمیت بورژوازی امپریالیستی آلمان است که آنرا به کار برده و بعداً برای خدمت به حقوق بشر حاضر شده است "خرگوشهای آزمایشی ایرانی" را در بیمارستانهای خود مورد درمان و آنها هم به بطور رایگان قرار دهد.

به نظر حزب ما استقرار روابط اقتصادی و انعقاد قراردادهای تجاری و اقتصادی حتی با ممالک امپریالیستی، باید بر اساس سود متقابل و احترام

متقابل باشد. امپریالیسم آلمان اگر خیلی دلش برای حقوق بشر می سوزد خوب است در زمان انعقاد قراردادهای اقتصادی با دولت ایران به دستگاه فاسد ایران رشوه پردازد و سیل پاسداران و یا ماموران آنها را همانگونه که تا کنون می کرده است، چرب نکند. این کار از هزاران طومار دروغین حمایت از حقوق بشر بیشتر ارزش دارد.

حزب توده ایران...

خویش پی بردند و به یک طبقه برای خود بدل شدند. آنها بر پرچم خود نوشتند: "کارگران ایران موثرترین نیروی مبارزه در راه تامین استقلال اقتصادی کشور ماست" و یا "ملت ایران خواهان آست که دولت در برابر تهدیدات امپریالیسم متحد، ضعف نشان ندهد." و یا "به کارگران خوزستان آزادی دهید تا دزدان دریائی را به دریا بریزند" و...

حزب توده ایران از آرمانهای کمونیسم حمایت می کرد و بسیاری از اعضا قهرمانش نظیر آرسن آوانسیان، وارطان سالاخانیان، کوچک شوشتری، سرهنگ عزت الله سیامک، سرهنگ محمد علی میشری، عباس افراخته، منوچهر مختاری گلپایگانی، ارسطو سروشیان، هوشنگ انوشه و... در راه آزادی و استقلال ایران، در راه دفاع از کمونیسم جان دادند.

دراثر فعالیت حزب توده ایران سازمانهای صنعتی به وجود آمدند و فرهنگ کتابخوانی، و بحث و نشستهای فرهنگی و هنری در تمام عرصه های جامعه ایران توسعه پیدا کرد. حزب توده ایران مبتکر سواد آموزی در ایران بود و کلاسهای اکابر برقرار کرد تا مردم بتوانند با آموزش زبان فارسی اسناد حزبی و نشریات تبلیغاتی حزب را مطالعه کنند. حزب توده ایران برای نخستین بار به خواستهای دهقانان که بیش از نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می دادند، توجه کرد و فئودالیسم را به باد نقد گرفت و از جنبش ملی و دموکراتیک آذربایجان که حل مسئله ارضی را در دستور کار خود قرار داده و زمینهای فئودالها را در اختیار دهقانان قرار داده بود به حمایت برخاست. حزب توده ایران نخستین تشکلی بود که به قرارداد داری و شرکت استعماری نفت ایران و انگلیس که در خوزستان حکومت مستقل خودش را داشت اعتراض کرد و طبقه کارگر ایران را در خوزستان برضد این استعمارگران بسیج نمود و در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ مهر باطله را بر این شرکت زد بطوریکه استعمار انگلستان قادر نبود به همان وضع سابق به سرکوب کارگران و غارت منابع ملی ایران بپردازد و ناچار شد با مانوری جدید به میدان آید و به طرح پیشنهاد گس-گلشائیان متوسل شود تا استعمار بریتانیا را در ایران ادامه دهد. این حزب توده ایران بود که با شعار انحرافی استیفای حقوق مردم ایران از شرکت نفت استعماری مبارزه کرد، زیرا برای این شرکت غارتگر هرگز حقوقی قایل نبود و حتی برای آنها به رسمیت نمی شناخت تا با این شعاری که در

بطن خویش حقی را هم برای شرکت استعماری نفت به رسمیت می شناخت و می خواست با آنها چانه زنی کند، موافق باشد. حزب توده ایران نیروی قدرتمند مبارزه برای استقلال ایران و همواره با بسیج طبقه کارگر و روشنفکران، مانع اساسی در راه تحقق دسیسه های امپریالیسم آمریکا در ایران بود که می خواست در حمایت ظاهری از قانون ملی کردن صنعت نفت، تنها سهم خویش را از بریتانیای تضعیف شده در جنگ بگیرد و سپس حکومت دکتر مصدق را که سرانجام در مقابله زیاده رویهای آمریکا مقاومت می کرد، سرنگون کند. حزب توده ایران تنها تشکل سیاسی ایران بود که دربار را مرکز دسیسه و فساد و توطئه های ضد ملی می دانست و خواهان سرنگونی این رژیم فاسد و دست نشانده بود. کارنامه این حزب مملو از خدمت به ملت ایران و طبقه کارگر ایران است و به همین دلیل نیز دشمنان ایران و دشمنان طبقاتی حزب توده ایران کینه عمیقی از این حزب به دل دارند و با جعل و تحریف در مورد این تاریخ پرافتخار می کوشند تاریخی جعلی برای این حزب بنویسند. بورژوازی امپریالیستی و حتی بورژوازی ملی ایران تمام نتایج عمیق اجتماعی فعالیت حزب توده ایران را از تاریخ ایران حذف می کنند و با پوشاندن نکات منفی فعالیت خویش و پاشاندن زهر اتهام نسبت به سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران، می خواهند برای فعالیتهای خویش سرمایه جمع کنند و آنها را بزرگ جلوه دهند. حزب توده ایران به علت این خدمات ارزنده همواره مورد هجوم ارتجاع ایران قرار داشت و در تمام طول سالهای ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و بعد از کودتا همواره غیرقانونی بود و مورد ضرب و شتم، زندان و تبعید و اعدام قرار می گرفت. چاقوکشان شمس قنات آبادی روحانی خالدار، چاقوکشان پان ایرانیستها، سومکانی ها، آریائی ها، حزب اللهی های میدان بارفروش، بسیاری توده ای ها را به قتل رساندند. سرلشگر زاهدی وزیر کشور و سرلشگر بقائی وزیر شهربانی دستشان به خون توده ای ها آغشته بود و در حکومت نیز شرکت داشتند. عوامل فراماسونری نظیر باقر کاظمی، همدستان صدارالاشراف، قوام و سپس حسین علاء نظیر مظفر بقائی، حسین مکی و سایرین در روزنامه شاهد، داده اقدام و... مرتب بر ضد نظریات حزب توده ایران تبلیغ می کردند و به فرزندان قهرمان خلق ما لکه اتهام می چسباندند. نه عوامفریبی طبقه حاکمه ایران و جاسوسان سرشناس آنها، نه هجوم ایدئولوژیک و تبلیغاتی روحانیت ارتجاعی، نه تبلیغات دست راستی جبهه ملی ها، نه زندان، تبعید، شکنجه و اعدام توده ای ها، نتوانست کمر این حزب تر از نوین طبقه کارگر ایران را چه قبل و چه بعد از کودتا بشکند. تمام کسانی که تلاش کردند این کارنامه مثبت و کمونیستی حزب توده ایران را با افسانه هائی نظیر "اپورتونیسیم تاریخی حزب توده ایران" به لجن بکشند، خودشان در لجنی که خلق نموده بودند، غرق شدند. تاریخ را نمی شود تحریف ... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

حزب توده ایران...

کرد، زیرا همیشه هستند کسانی که در بدترین شرایط این آتش را شعله ور می سازند و حفظ می کنند. حزبی که در مقابل این همه سختی ها مقاومت کرد، افسوس که نتوانست در مقابل غده سرطانی رویزیونیسیم مقاومت کند و سرانجام با روی کار آمدن خروشچف در شوروی و برافراشتن پرچم ضد کمونیستی "مبارزه با کیش شخصیت استالین" به پذیرش خط مشی رویزیونیستی حزب رویزیونیستی اتحاد جماهیر شوروی تن در داد و به منجلا ب رویزیونیسیم سقوط کرد. زمانیکه حزب توده ایران مارکسیسم لنینیسم را به دور انداخت و سه اصل مسالمت آمیز خروشچفی را پذیرفت، از دیکتاتوری پرولتاریا رو برتافت و حزب تمام خلق را کعبه آمال خویش کرد و اصلاحات کاسیگین برای برهم زدن نقشه مندی اقتصاد سوسیالیستی را که به نظم زدائی و تمرکز زدائی منجر گشت پذیرفت، دیگر این حزب، حزب کمونیستی نبود. خصوصیت رویزیونیستها این است که در حرف به واژه مارکسیسم لنینیسم می آویزند، زیرا بیان عبارات برای بورژوازی ضرری ندارد، در حالیکه توسل به این واژه ها می تواند چهره رویزیونیستها را استتار کند و برای گمراهی و عوامفریبی به کار رود. ولی آنها در عمل همه نظریات رویزیونیستی خروشچف را پذیرفتند و تا به امروز نیز به آن عمل می کنند. این حزب رویزیونیستی در بیان تاریخچه خود بر انشعاب در جنبش کمونیستی جهان و در حزب توده ایران سرپوش می گذارد، زیرا در غیر این صورت مجبور است اعتراف کند که در این نبرد سهمگین ایدئولوژیک جهانی در کنار خروشچف و فرزندان خلفش نظیر گورباچف و یلتسین ایستاده بوده است. حزب توده دارای دو دوره تاریخی است، دوره ای که انقلابی بود، بر مارکسیسم لنینیسم اتکاء داشت و دوره ایکه رویزیونیسیم را پذیرفت و به دست دراز شده شوروی ها در ایران بدل گشت و نوحه سرای رژیم جمهوری اسلامی گردید. حزب کار ایران (توفان) که به رهبری رفقا قاسمی و فروتن و همکاری و حمایت رفقا عباس سعائی و علی امیرخیزی از درون این مبارزه ایدئولوژیک بیرون آمد، به مارکسیسم لنینیسم وفادار ماند و فروپاشی آتی شوروی رویزیونیستی را پیشگویی کرد. حال تنها این حزب است که وارث واقعی خدمات ارزنده و در عین حال اشتباهات جنبش کمونیستی ایران در گذشته می باشد. حزب رویزیونیستی کنونی که خود را حزب توده ایران می نامد کوچکترین خویشاوندی کمونیستی با گذشته پرافتخار این حزب ندارد. ماهیت یک حزب را نه بر اساس ملاکهای غیر مارکسیستی **تعلق خاطر، سنت و عادت و دوستی شخصی، توسل به خاطرات و بازار گرمی** یا بر اساس **اعتقادات لحظه ای مردم**، بلکه باید بر اساس **ایدئولوژی و مشی سیاسی** آن تعیین کرد. تغییر ماهیت یک حزب کمونیستی به تغییر ایدئولوژی و پذیرش نظریات رویزیونیستی که تبدیل به خطوط

اساسی راهنمای حزب می شود، مربوط است و نه به تغییر رهبری، برگذاری مرتب کنگره ها، تعداد و تعدد نشریات، تعداد اعضاء، تصاویر شهدا و قهرمانان کمونیست و نه رویزیونیست، تبلیغات دروغین و...

از این منظر، حزب توده کنونی، یک حزب رویزیونیستی و ضد انقلابی است و باید این حزب را افشاء کرد تا کمونیستهای واقعی ایران فریب صحنه سازیها و بازیگری های وی را نخورند و بتوانند بدون احساسات با ملاکهای کمونیستی داوری کنند. این حزب کوچکترین قرابتی با مارکسیسم لنینیسم ندارد و رویزیونیسیم دشمن کمونیسم است. تمام تحول شوروی سوسیالیستی به نابودی کامل آن شاهد این مدعا است. شناخت ماهیت این حزب در دوره دوم، دست نیروهای انقلابی را در راه تحقق سوسیالیسم و آزادی ایران باز می کند.

جایزه صلح نوبل آخرین...

جمله جوخه های مرگ از سال ۱۹۶۴ تاکنون بیش از ۲۲۰ هزار گشته در بر داشته است. همچنین در این مدت بیش از پنج میلیون نفر آواره شده، ۲۵ هزار نفر ناپدید و ۳۰ هزار نفر ربوده شده اند. روزنامه شرق در مورد مضمون این توافقنامه می نویسد: "توافق صلح همچنین شامل بندهایی است که با هدف رفع و رجوع معضلات ریشه ای و تاریخی مسبب جنگ تنظیم شده اند. بنابر توافق حاصله، با قانونی شدن مشارکت سیاسی شورشیان فارک، این مجراهای دموکراتیک خواهند بود که از این پس به جای مقاومت مسلحانه، عرصه اظهار وجود سیاسی این گروه خواهند شد. فارک نه تنها در دو دوره آتی انتخاباتی در هر دو مجلس سنا و نمایندگان دارای پنج کرسی خواهد بود، بلکه پس از آن نیز می تواند به طور عادی وارد عرصه رقابت های انتخاباتی شود. این توافق نامه همچنین دولت کلمبیا را موظف می کند تا با سرمایه گذاری گسترده در بخش توسعه اقتصادی روستایی، به کاهش شکاف موجود بین نرخ رشد اقتصادی متمرکز در شهرها و نرخ فقری که دهه هاست به عنوان یکی از مؤلفه های کلیدی ایدئولوژی مارکسیستی شورشیان، دامن گیر روستائینان و دهقانان کلمبیایی شده، یاری رساند. از طرف دیگر، بند چهارم توافق نامه نیز روند دامن زدن به خشونت ها، فساد و بی ثباتی که نتیجه مبارزه قهرآمیز دولت با مواد مخدر بوده را تغییر خواهد داد. دولت به جای مجازات کشتکاران کوکائین، درصدد خواهد بود تا با سرمایه گذاری در دانه های جایگزین، همچون کاکائو و قهوه، انگیزه های اقتصادی کشاورزان روستایی را تغییر دهد. از محورهای دیگر این توافق نامه، رسیدگی به درد و رنج قربانیان منازعات بر مبنای چارچوب عدالت ترمیمی است؛ چارچوبی که شدت مجازات آن دست اعضای فارک را که مرتکب جنایاتی فجیع شده اند، بر مبنای راست گویی آنان می سنجد؛ آنانی که به سرعت پا پیش گذاشته و با صداقت درباره

اقداماتشان سخن بگویند، صرفا رفت و آمدهایشان با محدودیت هایی روبه رو خواهد شد؛ در غیر این صورت، باید برای مدت زمانی طولانی راهی زندان شوند. ". در واقع مانند این است که چریکها باید در همه موارد پاسخگو باشند و در این توافقنامه بر صندلی اتهام نشسته اند و باید طلب مغفرت نمایند.

این چریکها در مذاکرات دو جانبه با آقای "سانتوس" در توافقنامه خویش حتی تا به جایی پیش رفتند که ملتسمانه از رژیم حاکم تقاضای عفو، دادن شغل به آنها، قرار منع صدور تعقیب طلبیدند و اعتراف کردند که باید **دادگاههای ویژه تشکیل شود که به "جنایات جنگی همه طرفها رسیدگی کند"**. به این ترتیب چریکها پذیرفتند که در عرض این ۵۰ سال به جنایات جنگی دست زده اند که باید در مقابل دادگاه پاسخگوی آن باشند. این اعترافات همان تبلیغات شوم ارتجاع حاکم است که با کشتار مردم عادی توسط جوخه های مرگ، این عملیات را به پای چریکها می نوشت. این توافق در واقع تیرنه جنایات هیات حاکمه کلمبیاست. این سیاست "همه گناهکاریم" ماهیت مبارزه انقلابی چریکها را نیز به زیر پرسش می برد که برای منافع خلق مبارزه می کردند. آنچه را که رژیم حاکم جنایت محسوب می کند، نمی تواند از منظر طبقاتی و منافع خلق جنایت باشد. مرتکبان جنایت کسانی هستند که قدرت سیاسی را به دست دارند و از نیروی عظیم نظامی، دستگاه انتظامات و دادگاه ها برخوردارند و آنرا علیه مردم تا کنون به کار برده اند.

در این مانور اخیر، "خلق" کلمبیا در یک همه پرسی "دموکراتیک" حرف آخر را زده است و چریکها را به عنوان گناهکار و جنایتکار ارزیابی نموده است. در این مانور و نمایشنامه حساب شده، مسئولان همه این جنایات را در گذشته به گردن سازمانهای چریکی انداخته اند. پرده اول نمایشنامه مذاکرات طولانی میان رئیس دولت کلمبیا با رهبران سازمان چریکی "فارک" بود که در کوبا با پا در میانی رائل کاسترو و سرمایه گذاری از اعتبار انقلاب کوبا به انجام می رسید.

همین گام نخست که چریکها از موضع ضعف و ناچاری به این مذاکرات تن در دادند اساس شکست آنها را در برداشت. یک جریان سیاسی جدی و عاقل می داند که نتیجه مذاکراتی که میان طرفین درگیر بر روی کاغذ می آید و مورد توافق طرفین است باید در همانجا و در همان وقت به عنوان تصمیم قطعی از جانب طرفین مورد تأیید و تصویب قرار گرفته و دارای اعتبار و سندیت بوده و بر اساس آن عمل شود. ولی چریکهای "فارک" فرجام کار را نه به اراده خود و طرف مقابل، بلکه به اراده "خلق" محول کردند که در زیر فشار استبداد و ترور حاکم و تبلیغات ضد کمونیستی هیستریک و یکطرفه، قادر نبوده است تا کنون اراده خویش را به کرسی بنشانند. رای دادن به همه پرسی و گره زدن سرنوشت خود به یک همه پرسی در شرایط نابرابر و غیر دموکراتیک نشانه ...**ادامه در صفحه ۵**

انقلاب کبیر اکتبر ناقوس مرگ دنیای سرمایه داری و تولد دنیای نوین بود

جایزه صلح نوبل آخرین...

یاس و تسلیم و استیصال این سازمانهاست. از این به بعد این چریکها با "خلق" طرف هستند و نه با حاکمیت تروریست کلمبیا. "سانتوس" در تفسیر رای همه پرسی با مسرت در حالی که جایزه صلح را در دست داشت اعلام کرد تفسیر من این است که: "ما باید استقامت کنیم تا این جنگ به پایان برسد... وی این جایزه را از جانب همه مردم کلمبیا می پذیرد". وی می دانست که ارتجاع کلمبیا برنده جنگ است. رهبر چریکهای "فارک" سرفرمانده "تیمولئو خیمنس" (Timoleón Jiménez) به "سانتوس" تبریک گفت و نماینده "فارک" در هیات نمایندگی مذاکرات در کوبا اظهار داشت: "ما امیدواریم که جایزه صلح نوبل به رئیس جمهور "سانتوس" نیرو بدهد تا به قرارداد روح دمیده و به همه مردم کلمبیا کرامتشان را بازگرداند."

همین اعطای جایزه نوبل به یک طرف قرارداد صلح و نه به هر دو طرف، خود حاکی از ماهیت دسیسه گرانه این نمایش است. ارتجاع جهانی، رئیس جمهور کلمبیا را بانی صلح می داند و رئیس چریکهارا مسئول جنگ و "تبهکاری" و متاسفانه چریکها هم به این دروغ صحنه می گذارند.

"طبیعی است" رئیس جمهور کلمبیا که "منتخب" مردم است باید به رای مردم کلمبیا احترام بگذارد و لذا نمی تواند نسبت به قراردادی که در یک همه پرسی رد شده است، وفادار بماند و لذا در تاریخ ۳۱ ماه اکتبر این قرار داد دو جانبه و آتش بس از نظر رئیس جمهور کلمبیا به پایان می رسد و وی تلاش می کند با چریکها به "مقررات و توافقات" جدیدی برسد!!؟؟ آقای سرفرمانده "تیمولئو خیمنس" این پرسش را مطرح کرده است که آیا جنگ ادامه پیدا می کند؟ و "میلنا ریس" (Milena Reyes)، یکی از اعضای هیئت نمایندگی "فارک" در مذاکرات صلح در هاوانا، می پرسد: "آیا لجنند ما دوباره از چهره ما برطرف می شود؟ بعد چه می شود؟". و واقعا چنین پرسشی چقدر کودکانه و نشانه استیصال است. سرفرمانده منتظر تصمیمات رئیس جمهور نشسته است و خودش اساسا سیاست و تصور و دورنمایی در این مبارزه ندارد و به همین جهت نیز ابتکار عمل را به دست دشمن داده و منتظر وعده های سرخرمن است. حال کشتار چریکها اعتبار "خلقی" و "قانونی" نیز به دست آورده است.

رئیس جمهور که ابتکار عمل را در دست دارد و وکالت "خلق" را بر پیشانی نوشته است، اعلام کرد که باید با برندگان همه پرسی که نیروهای افراطی دست راستی و همدستان قدیمی و فعلی خود وی هستند به مذاکره بنشینند و نظریات "اکثریت" را جویا شود و انوقت نظریات آنها را در نظر بگیرد و وارد قرارداد جدید کند و دوباره قرارداد را به رای همه گانی بگذارد. این بازی تا آخر ادامه دارد. این نیروهای دست راستی افراطی کسان دیگری نیستند بجز رئیس جمهور قبلی که رئیس جمهور کنونی وزیر جنگ وی

بوده است. رئیس جمهور قبلی آقای "الوارو اوربیه" (Alvaro Uribe) بود که از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ به عنوان فرماندار در "انتیوکیا" (Antioquia) حکومت می کرد و در ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ رئیس جمهور کلمبیا بود. وی مبتکر ایجاد جوخه های مرگ در کلمبیا است که بدون هیچ زمینه حقوقی و قانونی ایجاد شده بود و وظیفه داشت همه مخالفان و افراد مظنون را همراه با خانواده های آنها قتل عام کند. این ارتش مافیائی دهها هزار مردم غیر نظامی را به قتل رسانید. هنوز که هنوز است در منطقه "انتیوکیا" گورهای دستجمعی از مردم عادی غیر نظامی پیدا می شوند که به دست سربازان و جوخه های مرگ به قتل رسیده و با دست قاتلان دولتی، به لباس ارتش چریکها ملبس شده و به گورهای دستجمعی پرتاب شده اند. مسبب و مشوق این جنایات آقای "الوارو اوربیه" بود به این طریق که برای هر کشته چریک پاداش نقدی پرداخت کرده و قاتلان آنها را ارتقاء درجه می داد. این امر دست جوخه های مرگ را در بالا بردن آمار کشته ها از طریق نابودی مردم عادی به نام چریک و اخاذی بیشتر باز می گذاشت. وی فوراً بعد از انتخابش به ریاست جمهوری مناطق جنگی ویژه به وجود آورد که رسماً آنها را "مناطق توانبخشی و ثبات" می نامید. در اثر این سیاست مناطق بزرگی به زیر سلطه نظامیان در آمدند. کار به جایی رسید که حتی سازمان عفو بین الملل نیز به صدا در آمده و از این مناطق به عنوان "آزمایشگاههای جنگی" نام برد که در آن مردم غیر نظامی را دشمن خود می شمردند و فعالان اجتماعی، مدنی و سندیکائی را نابود می کردند. وزیر دفاع (بخوانید جنگ) آقای "الوارو اوربیه" در سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ همین برنده اخیر جایزه صلح نوبل، آقای "خوان سامونل سانتوس" بود که همه این عملیات را با دست خودش انجام می داد. وی مدتها بعد از "پیروزی" در این جنایات با سری افکنده و قیافه ای محزون در مقابل فشار افکار عمومی، اعلام کرد که این موارد رویداده، بسیار نادر بوده است. ناگفته نماند که تعداد این موارد نادر ۳۰۰۰ عدد است. هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا به وی لقب جنایتکار جنگی داد و وی در کشور اکوادور به علت چندین اقدامات جنایتکارانه مورد تعقیب قضائی است. وی حتی به عنوان وزیر جنگ برای نابودی چریکهای فارک به کشور مجاورش برخلاف منشور ملل متحد، با هواپیما حمله کرد و اردوگاههای چریکها را بمباران نمود. و در این میان بسیاری از همکارانش در دولت قیل، به عنوان فاسد و رشوه خوار، غاصبان زمین، همدستی با جوخه های مرگ بر صندلی اتهام نشسته اند. اینکه "اوربیه" و "سانتوس" هنوز راست راست راه می روند، مدیون حق مصونیت خویش می باشند.

تجربه سیاسی کنونی نشان می دهد که مذاکره با دشمن تنها با حفظ اسلحه و ادامه مبارزه ممکن است. نیروهای انقلابی هرگز نباید در میان هوادارانشان به توهم و سازش طبقاتی دامن زنند

که در اثر مانورهای ارتجاع بی روحیه می شوند و با شکست مذاکرات به یاس و بدبینی دچار شده و به انزوا می رسند. دولت کوبا نیز اعتبار جهانی خود را در این عرصه، برای نزدیکی به آمریکا به بازی گرفت که این خود از نتایج سحر است.

ابزارهای نفوذی استعماری...

عمل می کند، پیوسته اند. سامان سویتت از طریق مراکزی که نامش SAP است از طریق سیستم ماهواره ای با استفاده از نرم افزارهای مشکوک به تبادل اطلاعات مالی از جمله ارسال و دریافت هرگونه پیام ارزی در بین واحدهای ارزی بانکهای داخل کشورها و بانکهای خارج از کشورها مربوط می شوند. این سیستم از طریق نرم افزارهای مشکوک تمام عملیات ارزی در سطح جهانی را مورد نظارت و جاسوسی قرار داده و میان آنها هماهنگی ایجاد می کند. با افشایگری های ادوارد اسنودن روشن شد که سازمان جاسوسی آمریکا از طریق نقل و انتقال بانکی و ارزی و مالی و کنترل حسابهای افراد، شرکتها و دولتها، شریان گردش مالی و توانائی های اقتصادی آنها را در دست دارد و هر روز اراده کرد می تواند مانع جریان خون مالی در این شریانها گردد و کشورهای مزاحم را از تجارت در بازارهای جهان محروم کرده و به محاصره اقتصادی بکشاند. امپریالیسم آمریکا از طریق این نظام نرم افزاری مالی جهانی ایران را به شدت تحت فشار قرار داد و هر بانکی که با ایران معامله تجاری و مالی داشت مورد پیگرد قضائی در آمریکا قرار گرفت. امپریالیسم آمریکا در کنار کنترل نظام سویتت، نظامی نیز از کارتهای اعتباری به وجود آورده است که معاملات روزانه مردم جهان را نیز تحت نظر دارد. این کنسرنها تنها به اعتبار موقعیت اقتصادی و اجتماعی که دارند با پول مفت که از کارمزد تجارت و استفاده از کارتهای اعتباری به دست می آورند، موسسات عظیم اقتصادی برای نظارت بر سامان مالی-پلیسی ایجاد کرده اند. نظام استبدادی مالی آنها نامرئی و تحمیل داوطلبانه به همه مردم جهان است. این شرکتها بر اساس این توانائی ها که کسب می کنند، می توانند راه سدجوع مردم و مخالفان را مستقیماً ببندند و آنها را "بی ضرر" نمایند. در مقابله با این اقدامات اسارت آور جنبشهای خرده بورژوائی "اکوپا" (جنبش ضد وال استریت) به وجود آمد که با کوته فکری و استیصال، تحت عنوان تحریم کارتهای اعتباری و عدم سپردن پول به بانکها و اختراع ورقه های کوپنی برای مبادله خدمات، افکار مردم را با راه حلهای بی سرانجام خویش و دعوت به گذشته، به گمراهی می کشیدند و عملاً راه حل قطعی برای قطع این بند اسارت آمیز ارائه نمی دادند.

در عرصه قضائی و حقوقی

امپریالیسم آمریکا برای ایجاد فشار به کشورها از ابزار شورای امنیت سازمان ملل متحد استفاده می کند. آنها قطعنامه... ادامه در صفحه ۶

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل فلسطین است

ابزارهای نفوذی استعماری...

هائی را در آنجا با زور تطمیع و تهدید و یا تبتانی به تصویب می رسانند که در مغایرت کامل با حقوق انسانها و دول قرار دارد و ناقض منشور ملل متحد است. اعضاء موقت شورای امنیت همیشه در زیر فشار این تهدیدات قرار دارند. این کشورها شاهد سرنوشت عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و ایران بوده اند و لحن تهدیدآمیز امپریالیسم آمریکا را جدی می گیرند. در عرصه هائی که با وتوی امپریالیستهای روسیه و چین روبرو شوند از ابزار دیگری که مصوبات کنگره آمریکاست استفاده می کنند و به ممالک جهان فشار می آورند که این مصوبات کنگره آمریکا و نظام قضائی آنرا به رسمیت بشناسند و تابع آن شوند. در غیر این صورت با مجازاتهای اقتصادی و یا محدودیتهای فراوانی برای تجارت در بازار آمریکا روبرو می شوند.

این یکی از روشهای استعماری و فشار و تهدید امپریالیسم آمریکاست که در این اواخر بسیار به آن متوسل شده است. وضع طوری است که امپریالیسم آمریکا این تهدیدات را در مورد سایر ممالک امپریالیستی نیز بکار برده و آنها را تابع تصمیمات کنگره آمریکا می کند.

کنگره آمریکا بتدریج نقش قانون گزار جهانی و دستگاه جهانی قضائی را ایفاء می کند که تهدیدی برای بشریت و جایگزینی برای سازمان ملل متحد است.

امپریالیستهای اروپائی نیز دادگاه کیفری جهانی در لاهه را به ابزار اعمال نفوذ و تهدید خویش بدل کرده اند و هر جا بخواهند مخالفی را از سر راه بردارند به اتهامات جعلی و تصمیمات ناعادلانه این دیوان داوری جهانی توسل می جویند. تصمیمات این دیوان داوری بقدری مسخره و گزینشی و گرایشی است که رهبران ممالک آفریقائی به تمسخر بارها بیان کرده اند که این دادگاه را فقط برای محاکمه رهبران ممالک آفریقائی اختراع کرده اند. در این دادگاه جنایتکاران جنگی نظیر نتانیاوهوی صهیونیست هرگز محاکمه نخواهند شد.

پیمان های مناطق تجاری آزاد...

اقتصادی که برادر تتی جهانی شدن سرمایه و هر دو فرزندان خلف نیولیبرالیسم در حال تهاجم بشمار می آیند، بهبود وضع مردم را سبب گشته باشد، که قرارداد تجارت آزاد و لجام گسیخته میان کانادا و اروپا که خود به مثابه جاده صافکن قرارداد تجارت آزاد میان آمریکا و اروپا «تی تی آی پی» بشمار می آید، باعث شود. پایین آوردن سطح دستمزدها اصلاحات تخریب کننده در نظام بیمه های اجتماعی، محدودساختن خدمات بیمه های درمانی، تقلیل بی سابقه سطح حقوق بازنشستگی، بالابردن مالیات ها و .. که از زمان فروپاشی شوروی و هجوم نیولیبرالیسم در کلیه کشورهای سرمایه داری از جمله اروپا رخ داد و بدون تردید پس از تصویب «CETA» با شتاب بیشتری صورت خواهد پذیرفت و بر دامنه فقر و گرسنگی

خواهد افزود. امری که دقیقاً خلاف جمله فریبکارانه وزیر اقتصاد آلمان است که قبلاً به آن اشاره رفت: «ما می خواهیم جهانی سازی به درد مردم بخورد و نه صرفاً به درد سرمایه گذاران!!!»؟؟؟

رهبر سندیکای اتریش (ÖGP) در اوایل ماه سپتامبر به درستی اعلام داشت که «CETA» و «تی تی آی پی» نه تنها رشد اقتصادی به ارمان نخواهند آورد، بلکه بر تعداد بیکاران نیز خواهند افزود. محاکم حقوقی خصوصی که جهت امنیت سرمایه تشکیل خواهند شد، قادرند در صورت تصویب تعرفه جدید که منجر به افزایش دستمزد کارگران و کارمندان بشود و یا زیانی که در اثر اعتصابات کارگری به موسسات آنها وارد شود، مستقلاً علیه دولت آن کشور ادعای خسارت کنند.

ایجاد محاکم خصوصی حمایت از سرمایه داران که یکی از بندهای مهم «CETA» است، به آنها حق می دهد که در صورت تصویب قوانین جدید که منجر به بالارفتن سطح دستمزدها گردد و یا هر قانون دیگری که منافع سرمایه داران را تحدید کند، ادعای خسارت کنند. نام این زورگویی را در قرارداد «تصمیم عادلانه و منصفانه» گذارده اند.

حتی اگر کنسرن ها در اثر یک سانحه و یا فاجعه طبیعی دچار خسارت و زیان گردند نیز می توانند دولت های ایالات را به دادگاه های حامی سرمایه به کشند و از آنها ادعای خسارت کنند. دادگاه های خصوصی که تحت نام دادگاه های حمایت و امنیت سرمایه تشکیل می شوند، در عمل دست دولت و دستگاه های قضائی کشورهای اروپایی را در قبال کنسرن ها می بندند و به آنها مصونیت قضائی می دهد.

کنسرن ها از این حق نیز برخوردارند که با اقامه دعوی علیه قوانین موجود که منافع آنها را محدود می سازد، شکایت کنند. برای نمونه اگر در یک کشور اروپایی نظیر آلمان قانون حداقل دستمزد را تصویب و یا بر مقدار آن بیفزاید، دادگاه های فوق الذکر حق شکایت علیه دولت را دارا خواهند بود. لازم به تذکر است که مشابه این بند در «تی تی آی پی» نیز به چشم می خورد. طرفداران قرارداد تجارت آزاد و جامع ادعا می کنند که «CETA» حجم مبادلات کالا و در نتیجه فرصت های شغلی را افزایش خواهد داد. در صورتی که طبق تحقیق و بررسی که کمیسیون

مربوطه در پارلمان اروپا انجام داده است چنین رشدی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا را بسیار ناچیز توصیف کرده است. بر اساس این تحقیق اقتصاد اروپا در یک فاصله زمانی ۱۵ تا ۲۰ ساله حدود ۵٪ رشد خواهد داشت. که حد متوسط آن سالانه ۰/۳٪ خواهد بود. در تحقیقاتی که «اتاق کارگران وین» انجام داده است، نیز رشد اقتصادی «CETA» را در یک فاصله زمانی ۱۰ تا ۲۰ ساله ۱۶/۰٪ در سال پیش بینی می کند. علاوه بر این «CETA» و «تی تی آی پی» خطر بزرگی برای محیط زیست و دست آوردهای تاکنونی مردم در اروپا و نیز قوانین حمایت از مصرف کننده در این قاره بشمار می آیند.

کنسرن هایی که حتی قبل از تصویب قرارداد تجارت آزاد با جنگ انداختن بر روی زمین های

کشاورزی نه تنها اروپا (نظیر اسپانیا و یونان و ...) که آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین مشغول آلوده سازی محیط زیست از طریق بکار بست بذره های تراریخته (دست کاری ژنتیکی شده) و سموم و آفات نباتی و کشت تک محصولی بوده و عملاً ناقوس نابودی تدریجی محیط زیست را به صدا در آورده اند. قطعاً پس از تصویب قراردادهای «CETA» و «تی تی آی پی» چهار نعل در این مسیر به پیش خواهند تاخت. برای نمونه از ۴ هزار محصولات تحت کنترل و حفاظت اداره حمایت از مصرف کننده در آلمان فقط ۱۷۱ فقره در قرارداد «CETA» ذکر شده است. قرارداد تجارت آزاد بدون تردید مسیر را بر واردات کالاهای مواد غذایی تراریخته (که تولید آنها در اروپا ممنوع است) هموار خواهد ساخت. دیگر نظارتی بر ورود مواد غذایی هورمونی و تراریخته وجود نخواهد داشت.

سرمایه های کانادایی و آمریکایی بر تولید آب آشامیدنی، آموزشی، بهداشت و درمان چنگ خواهند انداخت. مسیر چنگ اندازی سرمایه داران در عرصه وسایل نقلیه عمومی شهری، تأمین انرژی و حتی کودکستان ها و خانه سالمندان هموار خواهد گشت. این ها هستند دلایل مخالفت مردم اروپا با پیمان های تجارت آزاد. نمایندگان سرمایه داری آمریکا، کانادا و اروپا سالها مخفیانه در ورای پارلمان ها و به دور از چشم و گوش وسایل رسانه های اجتماعی پیرامون «قانون تجارت آزاد جامع» مشغول مذاکره بودند. همین امر گویای آن است که اگر «کاسه ای زیر نیم کاسه» نمی بود و «ریگی در کفش نداشتند» حداقل این قرارداد را از طریق وزارتخانه های مربوطه به پارلمان ها می بردند و آن را به تصویب می رساندند. نه اینکه در خفا خوشبختانه فعالیت های خستگی ناپذیر نیروهای مترقی و انقلابی اروپا، بویژه آلمان، چه در سطح مطبوعات چه در خیابان ها و چه در دنیای مجازی مخفی کاری نمایندگان سرمایه را فاش ساخت و بخش هایی از این قراردادها علنی گشتند. تنها در شهر برلین در اکتبر سال گذشته ۲۵۰ هزار نفر و نیز در سپتامبر امسال ۳۲۰ هزار نفر همزمان در ۵ شهر آلمان علیه «CETA» و «تی تی آی پی» به تظاهرات باشکوهی دست زدند. در دنیای مجازی نیز پُر تاله های متعددی علیه قراردادهای تجارت آزاد میلیون ها امضاء جمع آوری کردند. این فشار وسیع افکار عمومی وزیر اقتصاد آلمان آقای گابریل را بر آن داشت تا تغییراتی هر چند جزئی را به دولت کانادا به قبولاند. شدت این مبارزات قرارداد تجارت آزاد با آمریکا، «تی تی آی پی» را نیز به تعلیق واداشته و امید آن می رود که به طور کلی ملغی گردد.

اما کمیسر کمیسیون امور تجاری پارلمان اروپا خانم "سیسیلیا مالستوم" علیرغم اعتراضات میلیونی مردم اروپا با بی اعتنائی به مقاومت ها و مقابله مردم در برابر این قراردادهای ارتجاعی حتی با ارجاع این قوانین به پارلمان های کشورهای عضو اتحادیه اروپا جهت بررسی به مخالفت برخاسته است. ... ادامه در صفحه ۷

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

پیمان های مناطق تجاری آزاد...

این وقاحت خانم "سیسیلیا مالمستوم" سرسپرده به امپریالیسم طماع و حریص جهانی حتی صدای وزیر اقتصاد آلمان که تحت فشار افکار عمومی خود را موظف می‌داند که قرارداد «CETA» را به مجلس ارجاع دهد، درآورد و با نظر خانم "سیسیلیا مالمستوم" از در مخالفت برآمد. وزیر اقتصاد آلمان تا آنجا پیش رفت که عدم طرح «CETA» در پارلمان را به مثابه خطر جدی برای «CETA» و «تی تی آی پی» ارزیابی کرد. او گفت: «اگر کمیسیون اروپا در قرارداد «CETA» پارلمان‌های اروپا را از این تصمیم‌گیری محروم سازد، تی تی آی پی» خواهد مرد». البته او به این امر واقف است که تصویب قرارداد «CETA» نه تنها اروپا را به جولانگاه سرمایه‌داران کانادایی و چنگ اندازی آنها بر بازار کالا و سرمایه در اروپا مبدل خواهد ساخت، بلکه در عین حال راه برای سرمایه‌داران آمریکایی که اکثر قریب به اتفاق آنها در کانادا شرکت‌های زیرمجموعه دارند، نیز هموار خواهد ساخت.

از این منظر «CETA» جاده صاف کن، تی تی آی پی» نیز به‌شمار می‌آید. دولت آمریکا هم اکنون بی‌صبرانه منتظر تصویب «CETA» است تا کلیه شرکت‌ها و موسسات مالی آمریکایی که در عرصه بین‌المللی فعالند و در کانادا نیز دارای شرکت‌های فرعی مرتبط هستند. وارد بازار اروپا گشته و در آن جولان دهند. به دیگر سخن این قرارداد «تجارت آزاد» از این لحاظ خیابان یک‌طرفه است. یعنی عکس آن ممکن نیست. زیرا شرکت‌های اروپایی به ندرت دارای

شرکت‌های فرعی در کانادا هستند. لذا راه آنها برای فعالیت تجاری و مالی در آمریکا هموار نخواهد شد. از اینرو «CETA» برای آمریکائیان تاحدودی نقش «تی تی آی پی» را ایفاء می‌کند. به همین دلیل است که امپریالیسم آمریکا در حال حاضر عجله‌ای در عقد قرارداد، تی تی آی پی» بکار نمی‌برد. برعکس سندیکاهای کارفرمایان اروپا به لحاظ باز شدن دستشان در تجارت و سرمایه‌گذاری در آمریکا در تصویب قرارداد «تی تی آی پی» مصرند. اما در اثر مبارزه و مخالفت‌های وسیع مردم اروپا با قراردادهای تجارت آزاد مذکور، دولت‌های اروپا تحت فشار قرار گرفته و به راحتی قادر به امضاء این قراردادها نیستند. مردم پی برده‌اند که «تجارت آزاد» نام فریبنده‌ای بیش نیست که مبتکرین آمریکایی و کانادایی آن‌ها را به طور عمده برای تجارت و سرمایه‌گذاری یکطرفه، آن هم با تمام مزایای حقوق و اقتصادی‌اش به نفع خود طراحی کرده‌اند.

برای نمونه آقای "ماتیاسه فیکل" (Matthias Fekl) وزیر تجارت خارجی فرانسه که همانند همتای آلمانی‌اش آقای «زیگمار گابریل» (Gabriel Sigmar) در منگنه فشار مردم علیه، تی تی آی پی» قرار گرفته است، علنا اعلام داشته است که: «در فرانسه دیگر از مذاکرات قرارداد تجارت آزاد میان آمریکا و اروپا حمایت سیاسی نمی‌شود و ما خواستار پایان دادن به این مذاکره هستیم». آقای "ماتیاسه فیکل" (Matthias Fekl) در عین حال معتقد است که «در طرح پیمان، تی تی آی پی» کفه سنگین ترازو به طور چشم‌گیری به نفع آمریکا است.» او معتقد است که «آمریکایی‌ها به

هیچوجه حاضر نیستند امتیاز بدهند، بلکه فقط امتیاز می‌خواهند». پیمان‌های «CETA» و «تی تی آی پی» که به ظاهر برای از میان برداشتن موانع تجاری میان کانادا و آمریکا و اروپا تدوین گشته‌اند، نه تنها هیچ دردی از مردم را دوا نخواهد کرد، بلکه به جز آسیب رسانی به محیط زیست، به سلامتی مردم، به موقعیت شغلی و اجتماعی کارگران و کارمندان و خانواده‌های آنها و ... راه‌آورد دیگری نخواهد داشت. و به همین دلیل با روشنگری نیروهای مترقی و انقلابی میان مردم کشورهای اروپایی، به ویژه در آلمان، اتریش و فرانسه روز به روز بر نگرانی‌های مردم افزوده می‌گردد و آنها را به صفوف مخالفین می‌راند. نکته دیگر که جالب توجه است، این است که خود این بورژوازی امپریالیستی که مدام از پارلمان‌تاریسم بورژوائی دفاع می‌کند و رای ملت و اکثریت مردم را به رخ می‌کشد، آنجا که پای منافع سرمایه‌های کلان به میان می‌آید همه تئوری‌های پارلمان‌تاریستی را به فراموشی می‌سپارد و نشان می‌دهد که پارلمان‌ها عامل فریب توده‌های مردم هستند.

حزب ما اعضای خود و همه نیروهای مترقی و انقلابی را جهت شرکت فعالانه در این مبارزات فرا می‌خواند.

سیاسگزاری از کمکهای مالی

- ۵۰ پاند از لندن
- ۳۰ یورو شمال غربی آلمان
- ۱۵۰ دلار گ آف استرالیا
- ۵۰ یورو فری آلمان
- ۵۰ یورو ح.م فرانسه

(مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۲۴ آبان ماه ۱۳۹۵ منتشر شد)**آترا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)****دویدادداشت کوتاه سیاسی درمورد اوضاع ایران**

تجاوز جنسی و "نظام مقدس اسلامی" - برجام و خصوصی سازیها- کارگران آرام نخواهند گرفت : تجمع در مقابل مجلس در اعتراض به اصلاحیه قانون کار - اعلامیه حزب کار ایران (توفان) در محکومیت حکم دوکارگر زندانی شاپور احسانی راد و جعفر عظیم زاده - مصاحبه با هوشمند حسنی ، کارگر با تجربه و قدیمی در جنبش کارگری ایران در مورد وضعیت کنونی جنبش کارگری (۳) - درحاشیه حکم دادگاه ضد انقلاب اسلامی و ۱۶ سال زندان برای نرگس محمدی - انجمن حجتیه و عوامل آن

یادی از رفیق مهدی شیرخدا

- مبارزه با "فرهنگ مردسالارانه و قتل های ناموسی" با پرچم اسلام حراسی و راسیسم نامه اعتراضی یک رفیق به حزب کمونیست سوند (م ل) - سیاست جنگ افزوزانه آمریکا در انتقال داعش از موصل به سوریه - انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، انتخابی بین وبا و طاعون - مقاله ای از حزب کمونیست کلمبیا (م ل) پیرامون قرارداد صلح بین دولت و چریکهای فارک

گشت و گذاری در فیسبوک. پرسش و پاسخ**توفان الکترونیکی شماره ۱۲۴ آبان ماه ۱۳۹۵ نوامبر ۲۰۱۶**www.toufan.org**نشریه الکترونیکی حزب کار ایران**toufan@toufan.org<http://toufan.org/ketabkane.htm>http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm<https://twitter.com/toufanhezbezar><https://www.facebook.com/toufan.hezbezar><https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توییتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

«ستا» (CETA) جاده صاف کن «تی تی آی پی» (TTIP)

قرار است در ۲۷ اکتبر سال جاری توافقنامه جامع اقتصادی و تجاری «CETA» میان کانادا و پارلمان اروپا به امضاء برسد. گرچه پارلمان‌های کشورهای اروپایی می‌بایست قبلاً آن را مورد تأیید قرار دهند، اما خانم "سیسیلیا مالمستوم" (Anna Cecilia Malmström) کمیسر کمیسیون امور تجاری پارلمان اروپا مدام به دولت‌های عضو اتحادیه اروپا فشار می‌آورد که هر چه زودتر (قبل از ارجاع به پارلمان این کشورها) با بندهای مهم قرارداد موافقت کنند. این اصرار ایشان حکایت از سرسپردگی او به کنسرن‌ها و موسسات مالی دارد که در حقیقت طراح اصلی قرارداد مذکور هستند. خانم "سیسیلیا مالمستوم" (Anna Cecilia Malmström) که هیچ لزومی در ارجاع قرارداد «CETA» به پارلمان‌های کشورهای عضو اتحادیه نمی‌بیند، با نادیده گرفتن موج مخالفت‌ها در این کشورها، در اواسط ماه سپتامبر در "براتیسلاوا" (Bratislava) پایتخت کشور اسلواکی علناً اعلام داشت که «موافقتنامه جامع اقتصادی کانادا و اروپا «CETA» را باید نهایی و انجام شده تلقی کرد.» نگاهی به وسعت و تنوع مخالفت‌ها با «CETA» حاکی از آن است که نظر خانم "سیسیلیا مالمستوم" سر سپرده به سرمایه جهانی نمی‌تواند نظر مردم اروپا باشد. در نظرسنجی که شرکت نظرسنجی و تحقیقات جهانی "ایسوس" (IPSOS) در این رابطه انجام داده است، ۵۲٪ از مردم آلمان بر این نظر هستند که عقد قرارداد اروپا و کانادا «CETA» باعث از بین رفتن تدریجی استانداردهای موجود و ورود کالاهای معیوب و دستکاری ژنتیکی (تراریخته) شده و آلوده به کشورشان خواهد شد. ۳۰٪ از مردمی که از آنها پرسش شده، شک دارند که این قرارداد اصولاً نفعی به حال کشورشان داشته باشد. نیمی از مردم صریحاً خواستار حمایت دولت از صنایع داخلی کشورشان در رقابت‌های بین‌المللی هستند. علی‌رغم این نه تنها خانم "سیسیلیا مالمستوم" که خانم مرکل صدر اعظم آلمان نیز بر تصویب هر چه سریع‌تر «CETA» اصرار می‌ورزد. در صورتی که او به خوبی می‌داند که نه در درون سیاستمداران و احزاب آلمان، نه در میان دولت‌های اروپا به هیچوجه اتفاق نظر وجود ندارد، تا چه رسد به پارلمان‌ها و مردم این کشورها. تصویب این قانون در پارلمان اروپا بدون نظر پارلمان‌های ملی ممالک اروپائی نقض حق حاکمیت مردم، نفی استقلال ملی این ممالک است که سرنوشت خویش را به دست مشت‌ی صاحبان سرمایه‌های کلان در دنیا می‌دهند.

محدود ساختن توان بیمه‌های درمانی، کاهش بی‌سابقه سطح حقوق بازنشستگی، پایین آمدن دستمزدها، افزایش مدام مالیات‌ها، گرانی و ... که بعد از فروپاشی شوروی و ظهور نیولیبرالیسم در کلیه کشورهای سرمایه‌داری، از جمله اروپا رخ داد، بدون تردید با تصویب «CETA» (که خود جاده صاف کن «تی تی آی پی» بشمار می‌آید) شتاب بیشتری خواهد گرفت. و این دقیقاً خلاف جملات زیبا و عوامفریبانه آقای «زیگمار گابریل» (Sigmar Gabriel) وزیر اقتصاد آلمان و دبیر کل حزب سوسیال دموکراسی آلمان که در دولت مرکل همدست خانم مرکل است؛ مدعی است: «ما می‌خواهیم جهانی‌سازی به درد مردم به‌خورد و نه صرفاً به درد سرمایه‌گذاران». مرکل صدر اعظم آلمان می‌گوید: «ترس‌ها، نگرانی‌های شهروندان اروپا در رابطه با «CETA» بی‌مورد است... با توجه به نرخ رشد نازلی که در اروپا موجود است، این قرارداد فرصت مناسبی برای جهش این نرخ به‌شمار می‌آید... من امتیازات فراوانی برای اروپا و نیز کشور خودم به عنوان یک کشور صادرکننده کالا می‌بینم.» باید از این نماینده امپریالیسم آلمان پرسید که شما کجا سراغ دارید که رشد ... ادامه در صفحه ۶



مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان) به کنگره پنجم حزب کار ایران. اوضاع جهان بخش نخست

ابزارهای نفوذی استعماری امپریالیسم

نظام مالی و اعتباری

امپریالیسم آمریکا از طریق نظارت بر مبادلات ارزی و مالی با شیوه‌های مدرن ارتباطی و دیجیتال، نبض اقتصاد و گردش پول را در دست می‌گیرند و رقبا را از میدان بدر می‌کنند. امپریالیست‌ها سوئیفت (SWIFT) را که به مفهوم "انجمن برای ارتباطات مالی سراسری جهانی بین بانکی" است، در ماه مه ۱۹۷۳ میلادی توسط ۲۳۹ بانک از پانزده کشور اروپایی و آمریکای شمالی با این ادعا که روشهای ارتباطی غیر استاندارد کاغذی و یا از طریق نمایر را در سطح بین‌المللی با یک روش استاندارد شده جهانی بدل نمایند، راه اندازی کردند. در حال حاضر هزاران بانک و موسسه جهانی به تدریج به این انجمن که مرکزش در کشور بلژیک است و منطبق بر قوانین بلژیک... ادامه در صفحه ۵

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.